



دانشگاه مهر مازان



وزارت آموزش و پرورش

اداره کل آموزش و پرورش استان مازان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میاباد



CIVILICA



اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان پسر متوسطه دوم شهرستان بهشهر

دکتر سیده علیا عمادیان ، حمیدرضا شهابی دارابی

گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه ادیب ساری

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان پسر متوسطه دوم شهرستان بهشهر بوده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان بهشهر برابر با ۳۰۵۵ نفر بود. بر اساس جدول کرجسی و مورگان بر روی ۳۴۱ دانش آموز پرسشنامه های مسئولیت پذیری، هویت اخلاقی و تقلب تحصیلی اجرا شد. سپس از این میان تعداد ۳۰ نفر از افرادی که نمره پایین یا متوسط کسب کردند به عنوان نمونه آماری به شیوه غیر تصادفی در دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند (هر گروه ۱۵ نفر). گروه آزمایش، آموزش هوش اخلاقی را طی یازده جلسه ۹۰ دقیقه ای دریافت کردند و گروه کنترل آموزشی دریافت نکردند. پس از اتمام ۱۱ جلسه مداخله گروهی، بار دیگر هر دو گروه به وسیله ابزارهای پژوهش آزمون شدند. پرسش نامه مقیاس مسئولیت پذیری پرسشنامه کالیفرنیا (۱۹۸۷) بزار مورد استفاده در این تحقیق بودند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تحلیل کواریانس، با استفاده از نرم افزار SPSS در سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده گردید. نتایج نشان داد: آموزش هوش اخلاقی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان اثر دارد و $0.77/2$ ٪ از تغییرات نمرات مسئولیت پذیری دانش آموزان ناشی از آموزش هوش اخلاقی می باشد.

کلید واژه: آموزش هوش اخلاقی، مسئولیت پذیری، دانش آموزان

مقدمه و بیان مسأله

مشکل انسان ها و ناهنجاری های آن ها ناشی از عدم پذیرش مسئولیت است، زیرا آنها نمی توانند نیازهای اساسی خود را بر اساس شرایط صحیح و انسان دوستانه ارضاء کنند، زیرا والدین آنها چنین مهارتی را نداشته اند تا به آنان یاد دهند (گلاسر^۱، ۱۹۶۵). مسئولیت پذیری به عنوان یکی از مفاهیم تاثیرگذار بر سلامت عملکردی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان، به معنای پاسخگو بودن در قبال نیازهای خود، دیگران و انجام وظایف فردی و اجتماعی به بهترین شکل ممکن می باشد (سانچزهرناندز و میناردس^۲، ۲۰۱۶). فرد مسئولیت پذیر با در نظر گرفتن چهارچوب ساختاری وظایف فردی و اجتماعی خویش، ضمن تعهد به رعایت آنها در تمامی ادوار زندگی، مسئولیت پیامدهای آنها را نیز به طور کامل قبول میکند (فرانکلین^۳، ۲۰۱۳؛ داهان و سنول^۴، ۲۰۱۲). شکلگیری و تداوم مسئولیت پذیری تحت تأثیر علل و عوامل مختلفی در ابعاد درون فردی (ساختار شخصیتی، سبکهای هویتی و ساختار نگرشی) بین فردی (خانواده و سیستم ارتباطی حاکم بر آن، روابط بین همسالان و سایر روابط اجتماعی) و محیطی قرار دارد (اوالدسون و ملاندر^۵، ۲۰۱۷؛ اسلاولجاب^۶ و دیگران، ۲۰۱۵). در روانشناسی اخلاق تا سال ها به علت تسلط رویکرد رشدنگر شناختی کلبگ، اخلاقیات در افراد صرفاً بر اساس استدلال های آنها بررسی میشد. این درحالی است که انبوهی از تحقیقات، نگاه به استدلالهای اخلاقی را به عنوان

Glaser^۱

Sanchez Hernandez & Minardes^۲

^۳ Franklin

^۴ Dahan & Senol

^۵ Evaldsson & Melander

^۶ Slavoljub